

۲۱۷۷۱۸۹

به نام ایزد یکتا

سفرنامه

ادوارد بکهاوس ایستویک

Edward B. Eastwick

سه سال در ایران

روزنامه خاطرات یک دیپلمات انگلیسی

ترجمه: شهلا طهماسبی

سرشناسه : ایستویک، ادوارد بک هاوس، ۱۸۱۲-۱۸۸۳ م. Eastwick, Edward Backhouse
 عنوان و نام پدیدآور : سفرنامه ادوارد بکهاوس ایستویک: سه سال در ایران؛ روزنامه خاطرات یک دیپلمات انگلیسی /
 ترجمه شهلا طهماسبی.
 مشخصات نشر : تهران : انتشارات ایران شناسی، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری : ۲۹۶ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س. م.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۵۱-۳۳-۶
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 یادداشت : عنوان اصلی: Journal of a diplomat's three years' residence in Persia, c1864.
 عنوان دیگر : روزنامه خاطرات یک دیپلمات انگلیسی.
 موضوع : سفرنامه‌ها
 موضوع : Traveler's writings
 موضوع : ایران — سیر و سیاحت — قرن ۱۳ ق.
 موضوع : Iran -- Description and travel -- 19th century
 شناسه افزوده : طهماسبی، شهلا. ۱۳۳۱ - مترجم
 رده بندی کنگره : DSR1379
 رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۷۴۵۰۴۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۷۵۰۴۹۷۵



IRANSHENASI Publishing

سفرنامه ادوارد بکهاوس ایستویک
 (سه سال در ایران؛ روزنامه خاطرات یک دیپلمات انگلیسی)

انتشارات ایران شناسی [ناشر] • ادوارد بکهاوس ایستویک [نویسنده] • شهلا طهماسبی [مترجم]
 آزاده رحیمی [ویراستار] • منیژه احمدی طهرانی [صفحه‌آرا و طراح جلد]

ISBN 978-600-8351-43-6

چاپ اول ۱۴۰۰ [نوبت چاپ] • ۱۱۰۰ نسخه • چاپخانه صنوبر [چاپ، لیتوگرافی و صحافی]

تمام حقوق مادی و معنوی این اثر برای انتشارات ایران شناسی محفوظ است.
 هر گونه چاپ، تکثیر، ترجمه، بازنویسی، نسخه‌برداری، ترجمه و همچنین انتشار دیجیتال،
 صوتی و... بدون اجازه کتبی از ناشر، ممنوع و قابل پیگرد قانونی است.

© Iranshenasi Publishing 2021

© کپی‌رایت ۱۳۹۹ انتشارات ایران شناسی

تهران-خیابان طالقانی، خیابان بهار شمالی، کوچه طباطبائی، پلاک ۶، واحد ۱
 کدپستی ۱۵۶۳۶۵۷۱۱ | تلفن: ۷۷۵۳۱۸۲۵ - ۷۷۵۳۹۸۵۹ | فکس: ۷۷۶۳۸۶۸۷
www.iran-shenasi.com | info@iran-shenasi.com

فهرست

- یادداشت مترجم ۹
پیش‌گفتار ۱۳
مقدمه ۱۴

جلد اول ۱۶

فصل اول ۱۷

الینوکا به فونتانکین • کوه آرات • ایروان • ملاقات یک دوست • نخجوان • دروازه‌های ایران • جلفا • مهماندار • از ارس به مرند • سلطان درمانده • صوفیان • تبریز • بهرام‌میرزا • سردار کل • کیفرهای ایران • میرزا عباس • کنسولگری روسیه • تب راجعه • مارگیرها • گورستان آرامنه • مسجد کبود و دیدنی‌های دیگر تبریز

فصل دوم ۳۷

از تبریز به ترکمنچای • قرارداد سال ۱۸۲۸/۱۲۴۴ • میانه • کنه‌های سمی • جمال‌آباد • زنجان • سلطانیه • قزوین • کاخ سلیمانیه • ورود به تهران

فصل سوم ۵۱

هیأت سیاسی انگلستان در تهران • قصر قاجار • قلعه

فصل چهارم ۶۵

اسباب‌کشی • خدمتکارهای ایرانی • زندگی با هیأت سیاسی تهران • اولین دیدارها • اسب‌سواری در اطراف تهران • میدان مسابقه • آبشار • شاه عبدالعظیم • راگس

فصل پنجم ۸۱

زمستان دلگیر سال ۱۲۷۷ / ۱۸۶۰ • سقوط صدراعظم • سفر در منطقه ورامین • تدارک سفری به ایالت‌های دریای خزر • شورش در تهران و مرگ کلاتر • عزیمت به رشت • کن • سلیمانیه • گردان • معادن زغال‌سنگ نزدیک هیر

خروج از قزوین • آق‌بابا • راه‌پیمایی پرمخاطره از آق‌بابا به خَزران • پاچنار • منجیل • سفیدرود • رودبار و زیتون‌زارهایش • رستم‌آباد • قلّه دَرَفک • ورود به جنگل‌های گیلان • بقعه امام‌زاده هاشم • دهکده جنگلی سراوان • هیأت استقبال • رشت

فضای اجتماعی در رشت • عزیمت به دریای خزر • صدراعظم متواضع شد یا غرور سقوط در پی دارد • راه مخوف • مرداب انزلی • شاه‌رخ‌میرزا • ترک انزلی برای صید ماهی خاویاری • بندر آشوراده

صید ماهی خاویاری در سفیدرود • یک ساعت با تفنگ‌هایمان در خشکی • مهارت دریانوردی روس‌ها • به گل نشسته در ساحل ترکمن • بندر آشوراده

استرآباد • کله منارها • بازگشت به بندر گز • اشرف • فرح‌آباد - شهر متروک - اشک‌های ایرانیان • ساری • فیروزکوه • بازگشت به تهران

خلاصه صریح وقایع از ذیقعه ۱۲۷۷ تا ذیقعه ۱۲۷۸ / مه ۱۸۶۱ تا بهار ۱۸۶۲ (که شاید خواننده از قلم انداخته باشد). • آقای الیسن برای کناره‌گیری از سمت خود تقاضای مرخصی می‌کند • عید نوروز در تهران • قهرمان کشتی • قصر شاه و جواهرات سلطنتی ایران • ورود کلنل تی. استوارت برای عقد قرارداد نصب سیم تلگراف • تجدید مذاکرات [تلگراف] و عدم موفقیت آقای الیسن عزیمت خود را به تعویق می‌اندازد • کلنل استوارت و آقای دیکشن تهران را ترک می‌کنند • پیشروی افغانی‌ها به سوی هرات • نویسنده تقاضای انتقال می‌کند

حساسیت مأموریتی که برای خراسان به من محول شده بود • عزیمت از قلهک • گفت‌وگو با امین‌الدوله • شخصیت او و شایستگی‌اش برای صدرات‌اعظم • از تهران تا خاتون‌آباد • ایوان کیف • قلعه باستانی و تلّ خاک آتش‌پرستان • گردنه سرداری یا تنگه‌های خزر • آرادان • اپرای ایرانی • دهنمک • لاسگرد • سمنان • آهوان • گاوپناه • دامغان یا هکاتومپیلوس

چشمه‌علی • کوه باد • راه‌های مازندران • دهملا • شاه‌رود • دودوزه‌باز شناسایی شد • حاجی مَطْلَب‌خان افشار • بیماری نویسنده • میامی • سفر با کاروان در کویر • تپه‌های راه‌زنان • پاسداران ترکمن • گورخر • میان‌دشت • Alajak (الْجَاقِ؟) • عباس‌آباد • صدرآباد • افراط‌کاری • مَرنان • مهر • سبزواری • رباط زعفرانلو • معدن‌های فیروزه • شبگردی • نیشابور • نیازمند دوست

عزیمت از نیشابور • درود • جاغمرک • نیشابور و گلستان • ورود به مشهد • رضایت و خرسندی از استقبال • اقامتگاه من در جوار داروغه خوش‌خلق • بزرگان مشهد • فرار رؤسای خراسانی • کارخانه باروت‌سازی مشهد • ورود قافله سیستان • نامه به دوست‌محمدخان • خواجه‌ربیع • مقابر سالار و پیروانش • افسانه امام رضا • ترس‌های مذهبی از یک محبوس مسلمان • شهر مشهد و سواری در آن • اولین قدم زمستان • امام‌جمعه و پسرش • چرا در مشهد مُلحد وجود ندارد • اخبار هرات و نامه دوست‌محمد • آشپزخانه امام

درمان جدید برای نیش‌پشه • وضعیت بحرانی مشهد • دستگیری یک توپچی و عمل شجاعانه کلنل دالمیچ • مشیرالدوله نویسنده را به مخاطره می‌کشاند • آلودگی مسجد • غلیان و اضطراب ملاها • عزیمت از مشهد • سنگ‌بست • فریمان • مرگ حامی • استقبال در قلندرآباد • اولین دیدار با سلطان مرادمیرزا [حسام‌السلطنه] • وزیر هرات • سرمای شدید • اقامتگاه‌های زیرزمینی • دومین دیدار و گفت‌وگو با سلطان مرادمیرزا

دومین دیدار با حسام‌السلطنه • داستانی از جنگ ایران و روس • رفتار دلیرانه هنگ‌های روس

هنگام عقب‌نشینی از مرو • جعفرقلی میرزا • شرح اردوگاهی در قلندرآباد • نظر سربازی درباره گشایش‌های الهی • مسأله هرات • کمین‌گاه ترکمن • بند فریمان • شکار با باز همراه با شاهزاده • جاسوس‌های افغانی • حمله به اردوگاه امیر [دوست‌محمدخان] • کاریز بوداق • تردستی ایرانی و جادوگری • ورود قاصدی که مدتی انتظارش را می‌کشیدم • نویسنده به سمت کاردار علیاحضرت ملکهٔ بریتانیا در ایران منصوب و به تهران احضار شد • شرفیابی به حضور شاهزاده و وداع • اسب الله‌یارخان

۲۴۷ فصل دهم

عزیمت از قلندرآباد • طوفان برف • احمدآباد • مهمان‌ستیزی مستأجران امام • قدمگاه • پرویز میرزا • صادق • منارهٔ خسروگرد • جازن‌های عباس‌آباد • داستان پاشاخان • گله‌های آهو در خیرآباد • سواری با اسب چپار و لذت ناشی از آن • فرار • آخرین مراحل • استقبال خاطره‌انگیز

۲۴۸ فصل یازدهم

عکس‌العمل‌ها نسبت به انتصاب من به سمت سرپرست هیأت سیاسی بریتانیا در ایران • دزدی • وقفهٔ بزرگ • اولین شرفیابی به حضور شام • گفت‌وگوهای با وزیر امور خارجه و امین‌الدوله • ورود خدمتکاران و بارها از خراسان • شرفیابی خصوصی • ملاقات با سپه‌سالار • اولین گزارشات موفقیت‌آمیز در مورد تلگراف • تبریک کریسمس • عزت‌السلطنه و نصرت‌الدوله • جرقه‌ای در شمعدان پیش از خاموش شدن شمع • روز عید سال نو • پایان توفیق‌امیر مسألهٔ میرعلی‌نقی‌خان • مهمانی شام برای امین‌الدوله و شاهزاده‌ها • ملاقات با سهام‌الملک و مقامات دیگر • اغتشاشات سرحد • باید جنگ را پذیرفت • شرفیابی برای خداحافظی • انقیادان الماس‌نشان یا آخرین سخنان شاه - شام خداحافظی - نوکر نه غارتگر

۲۷۵ پیوست‌ها

۲۷۶	پیوست ۱
۲۷۷	پیوست ۲
۲۷۹	پیوست ۳
۲۸۴	نمایه

یادداشت مترجم

ادوارد بکهاوس ایستویک، شرق شناس و کارمند اداره مستعمرات هند، در سال ۱۸۱۴ در خانواده‌ای با سابقه خدمت طولانی در کمپانی هند شرقی انگلستان به دنیا آمد. در آکسفورد درس خواند، در هند زبان هندی و زبان‌های شرقی (از جمله فارسی) آموخت و در زبان شناسی و ترجمه تخصص یافت. در ۱۸۵۷ به سمت دستیار دبیر سیاسی حکومت هند بریتانیا منصوب شد و ضمن آن در رشته حقوق به تحصیل پرداخت.

در شوال ۱۲۷۶ / مه ۱۸۶۰، در سمت دبیر وزارت مختار بریتانیا در ایران از راه پاریس، آتن و قلیس به تبریز رفت و در بیست و پنج اکتبر به تهران رسید. چندی بعد برای میانجی‌گری در اختلاف دولت‌های ایران و افغانستان بر سر ایالت هرات به خراسان سفر کرد. سپس کاردار وزارت مختار در ایران شد (دسامبر ۱۸۶۲). در ژانویه ۱۸۶۳ خدمتش در ایران به پایان رسید و به انگلستان بازگشت. بعدها چند دوره نماینده پارلمان بریتانیا شد و در ۱۸۸۳ درگذشت.

ادوارد ایستویک در دوره‌ای مأمور ایران شد که روابط سیاسی ایران و انگلستان از زمان حمله ایران به هرات در ۱۸۳۲/۱۲۵۴، نیمه‌معلق و بی‌ثبات بود و وزرای مختار و کاردارهای انگلستان در ایران پی‌درپی تغییر می‌کردند. در نیمه سال ۱۸۹۵/۱۲۷۶ هنری رالینسن وزیر مختار شد اما چند ماه بعد به سبب مخالفت با نظر دولت

بریتانیا در مورد سپردن امور سیاسی ایران از حکومت هند بریتانیا به وزارت امور خارجه بریتانیا استعفا داد. سپس چارلز الیسن جایش را گرفت اما او نیز چندی بعد کناره‌گیری کرد و اداره امور وزارت مختار به ایستویک با سمت کاردار محول شد.

ایستویک در رابطه با مقام‌های دولتی سیاست تحبیب و دوستی و ملایمت رالینسن را اتخاذ کرد و با مهارت در میان مقامات مهم جا یافت و اعتماد همه را جلب کرد. او به سبب کسب امتیازهای مهم و مؤثر در تاریخ معاصر ایران از اهمیت خاصی برخوردار است: به‌دست آوردن باغ قریه قلّه که اقامتگاه تابستانی اعضای وزارت مختار بریتانیا بود و در واقع کل قریه از ناصرالدین‌شاه به‌صورت هدیه؛ کسب موافقت شاه برای امضای قرارداد تلگراف که سال‌ها مذاکرات دولت انگلستان در این باره به جایی نرسیده بود؛ و اعزام به خراسان به ظاهر برای وساطت و تعیین تکلیف هرات به خواهش دولت ایران، و درواقع برای معطل کردن قشون ایران در سرحد تا تصرف کامل هرات و الحاق آن به افغانستان که سیاست رسمی و مخفی دولت انگلستان بود^۱. او در مدت خدمت در ایران ظاهراً مأمور کسب اطلاعات تجارتي در شمال ایران شد که روس‌ها بر آن تسلط داشتند. ایستویک با وجود برقراری روابط دوستانه با مردم و مقامات محلی، در سفرهای به نسبت طولانی به شهرهای شمالی و مشرق، در کنسولگری دولت متبوع خود اقامت نمی‌کرد، گویی سفرهایش مخفیانه صورت می‌گرفت.

ایستویک مانند بیشتر مأموران سیاسی انگلیسی در ایران، نویسنده و پژوهشگری متبحر بود و درباره شهرهای هند آثار متعددی دارد. در کتاب حاضر، تهران قدیم و موقعیت وزارت مختار، و دولت ایران را به‌روشنی تصویر کرده است. با آن که سال‌ها در هند به‌سر برده بود، اظهار نظرهایش در مورد اقامتگاه‌های بین‌راهی شهرهای ایران و همچنین درباره اعتقادات و باورهای مردم، اغراق‌آمیز و مغرضانه است.

شهرت ایستویک به‌لحاظ ترجمه گلستان سعدی (۱۸۵۳)، انوار سهیلی نوشته حسین واعظ کاشفی، و زرتشت‌نامه، با عنوان زندگی و سجایای زرتشت به زبان انگلیسی است. او در چند مؤسسه علمی و پژوهشی از جمله انجمن پادشاهی آسیای بریتانیای کبیر، انجمن آسیای پاریس، انجمن شرقی آلمان و انجمن لغت‌شناسی لندن عضویت داشت.

۱. نگاه کنید به دایرةالمعارف فارسی، غلامحسین مصاحب: ایران و انگلیس، جنگ